



■ خاطرات سیده زهرا
حسینی
■ سیده اعظم حسینی

واژه دا، در زبان لری، لکی و کردی به معنی مادر است و حسینی که خود یکی از کردهای پهلای آباد استان ایلام است، با انتخاب این عنوان سعی کرده به موضوع مقاومت مادران ایرانی در طول جنگ ایران و عراق بپردازد. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، این کتاب مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کتاب در زمینه خاطره‌نویسی جنگ هشت‌ساله ایران و عراق محسوب می‌شود.

یکشنبه آخر



■ خاطرات معصومه
رامهریزی
■ انتشارات سوره مهر

«یکشنبه آخر» کتابی است که معصومه رامهریزی، یک زن رزمنده در آن از خاطرات خود می‌گوید. او در سال‌های جنگ، دفترچه یادداشت کوچکی داشته که گاه‌وبیگاه چیزهایی در آن می‌نوشته است. این دختر خرمشهری با شروع جنگ پا به جبهه می‌گذارد و عمر خود را صرف کمک به رزمندگان می‌کند. این کتاب دارای لحنی ساده و صمیمی است که باعث می‌شود مخاطبی که با جنگ فاصله گرفته بار دیگر عظمت آن را احساس کند.

بابا نظر



■ خاطرات محمدحسن
نظر نژاد
■ سید حسین بیضایی

این کتاب حاصل مصاحبه‌های شفاهی با سردار شهید محمدحسن نظر نژاد است که طی آن خاطرات راوی پیرامون انقلاب و جنگ تحمیلی بیان می‌شود. محمدحسن نظر نژاد ملقب به بابا نظر بیشتر زمان جنگ ایران و عراق را در جبهه‌های جنگ گذراند و جراحت‌ها و آسیب‌های جدی دید. مصاحبه‌های این کتاب توسط سید حسین بیضایی انجام گرفته و تدوین آن را مصطفی رحیمی به عهده داشته است.

یگانی از امواج

نگاهی به کتاب خاطرات علی اصغر زارعی

هادی کشاورز روزنامه‌نگار

چهره و نام او را در جریان بررسی و تصویب زودهنگام بر جام در مجلس گذشته به خاطر می‌آوریم که می‌گریست و ایستادگی بر سر مواضع بنیادین را یادآوری می‌کرد. علی اصغر زارعی که چهار سال پس از این واقعه درگذشت، تنها یک فعال سیاسی در قامت نماینده مردم تهران در مجلس نبود. او یکی از اعضای اثرگذار و فداکار سپاه پاسداران در ابتدای جنگ تحمیلی بود که با کوشش‌های خود گام‌های بزرگی در راستای پیشرفت سپاه در عرصه جنگ الکترونیک برداشت.

نقش سردار زارعی و تیم همراهش در دانشگاه صنعتی شریف و یگان جنگال سپاه در شکستن رمز کدهای راکال انگلیسی اهدایی به ارتش صدام بی‌بدیل و تأثیر زیادی در پیروزی عملیات‌های دفاع مقدس داشت. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به‌منظور واکاوی و بازخوانی حوادث مهم یگان جنگ الکترونیک در دفاع مقدس توفیق

داشت تا با گفت‌وگو با این سردار عزیز که از ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۷ شروع و طی حدود ۲ سال و ۲۲ جلسه گفت‌وگوی فعال به زوایای پیدای و پنهان این یگان مهم و ایمن بخش بسیار پیچیده و تخصصی جنگ پرداخت و حاصل آن را در کتابی در قالب تاریخ شفاهی منتشر کرد. در بخشی از پیشگفتار کتاب می‌خوانیم: «یکی از واحدهای تأثیرگذار در نبردهای هشت سال دفاع مقدس واحد جنگ الکترونیک (جنگال) است. نیروهای این واحد با رصد فعالیت‌های دشمن از خطوط مقدم تا عمق منطقه نبرد از طریق دستگاه‌های الکترونیکی و بی‌سیم‌های غنیمتی و تجزیه‌وتحلیل اطلاعات آن‌ها،

داده‌های ارزشمندی از موقعیت و توان دشمن به دست می‌آوردند و سپس با گزارش نتایج این اقدامات، کمک شایان توجهی به فرماندهان جنگ و رزمندگان در نبرد با دشمن می‌کردند.» این کتاب در قالب گفت‌وگوهای بیست‌گانه، روایت تلاش‌ها و مجاهدت‌های سردار علی اصغر زارعی از فرماندهان اصلی جنگال در طول سال‌های دفاع مقدس است. آن‌طور که فریدون حیدری ملک‌میان در گزارش خود می‌نویسد، کتاب «تاریخ شفاهی دفاع مقدس روایت علی اصغر زارعی» اگرچه از ۲۰ جلسه تشکیل شده اما در نگاهی کلی می‌توان آن را به سه بخش مجزا دسته‌بندی کرد: بخش اول شامل جلسات اول و دوم است که شرح وقایعی است که در پیش از پیروزی انقلاب می‌گذرد و تا آستانه ورود امام خمینی به ایران ادامه دارد.

بخش دوم جلسات سوم تا هفتم است. در این قسمت طی پنج جلسه، راوی نخست به ورودش به سپاه اشاره می‌کند. ابتدا از چگونگی شهادت برادرش حسن زارعی در آستانه پیروزی انقلاب و تأثیر آن بر استمرار مسیر مبارزه می‌گوید، همچنین از تغییرات انقلابی

آبادان، فعالیت و جذب نیروی گروه‌های گوناگون بعد از انقلاب، جریان خلق عرب، تشکیل سپاه آبادان، کانون فرهنگی فتح، واحد بسیج آبادان، اولین یگان دریایی سپاه در آبادان و تشکیل بسیج خواهران یاد می‌کند.

سپس از نقش آفرینی سپاه آبادان در عرصه‌های گوناگون سخن به میان می‌آید و به کمک‌رسانی سپاه به مردم در حوادث مختلف اشاره می‌شود. راوی در ادامه به موضوعاتی چون کمیته آرزاق و جهاد سازندگی در آبادان، اولین نماز جمعه آبادان و فضای فرهنگی آبادان بعد از پیروزی انقلاب می‌پردازد. آنگاه بحث زمینه‌های وقوع جنگ بین ایران و عراق پیش کشیده می‌شود و راوی از مسائلی چون اتحاد عمومی برای مقابله با هجوم دشمن، شواهد و قرائن آغاز جنگ، پیش‌بینی شروع جنگ در حضور استاندار خوزستان و اولین شهید شهر آبادان یاد می‌کند. پس از آن نیز به مسئله کودتای نقاب به‌مثابه توهم براندازی اشاره می‌شود.

مبحث بعدی به آغاز جنگ تحمیلی مربوط می‌شود. راوی ابتدا از تصمیمش به ازدواج در آستانه شروع جنگ می‌گوید اما در پی آن، بازگشت به

جنوب با قبضه‌های خمپاره، حمله سراسری به ایران و اولین مجروحیتش مطرح می‌شود. دیدار با امام خمینی (ره)، تلاش برای تسلط بر اوضاع، هتل آبادان (ستاد عملیات آبادان)، مسئولیت بسیج آبادان، ساختار بسیج آبادان و روزهای منتهی به سقوط خرمشهر از دیگر موضوعاتی است که راوی در اینجا به آن‌ها می‌پردازد.

مبحث دیگر، جلوگیری از سقوط آبادان است که راوی طی آن به مجروحیت دوباره‌اش اشاره می‌کند. همچنین از استمرار مقاومت مردمی تا قبل از عملیات ثامن الائمه (ع)، عوامل مؤثر در جلوگیری از سقوط آبادان، حفظ ساختار مدیریتی در

